

تحلیل رابطه مفهومی و ساختاری تولی، طهارت و تسلیم در روایت ابو خالد کابلی

امید قربانخانی

استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
o.qorbankhani@basu.ac.ir

محسن رفعت

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (ع)، قم، ایران.
mohsenrafaat@hmu.ac.ir

بهناز محمد کاظمی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Behnaz.mkazemi@ut.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
روایت ابو خالد کابلی از امام محمد باقر (ع) به عنوان یکی از نصوص راهبردی در تبیین «نور الهی»، واجد مؤلفه‌هایی معرفتی درباره ارتباط سه گانه «تولی»، «طهارت» و «تسلیم» است. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و برپایه منابع کتابخانه‌ای، با تمرکز بر تحلیل ساختاری و معنایی عبارت پایانی این روایت، در پی کشف نسبت علی و مفهومی میان این سه مؤلفه بنیادین در منظومه ایمان شیعی است. پرسش اصلی مقاله آن است که ارتباط منطقی و ترتیب وجودی میان طهارت قلب، تولی به اهل بیت (ع) و تسلیم در برابر ایشان چگونه است؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که براساس قرائن سیاقی و شواهد روایی - قرآنی، واژه «حتی» از میان معانی متعدد، در روایت مزبور به مفهوم «غایت» نزدیک‌تر است. بدین ترتیب، محبت و تولی نسبت به اهل بیت (ع) شرط حصول طهارت قلبی تلقی شده و طهارت قلبی نیز مقدمه‌ای برای تحقق مقام تسلیم و سلم در برابر ائمه (ع) است. براساس آیات و احادیث مرتبط، حب اهل بیت (ع) شرط قرب الهی و منشأ تطهیر روح مؤمن دانسته شده است، به گونه‌ای که طهارت حاصل شده از آن، بستر پذیرش حقیقی ولایت و تسلیم کامل در برابر اولیای الهی را فراهم می‌کند. این پژوهش با استناد به منابع روایی و تفسیری کوشیده است ارتباط میان مفاهیم مزبور را در منظومه اعتقادی شیعه تحلیل و بازخوانی نماید.	نوع مقاله علمی - پژوهشی صفحه (۷۳ - ۱۰۰) دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

۱. بیان مسئله

ولایت در منظومه معرفتی شیعه، مفهومی بسیط و تقلیل‌پذیر به یک اصل تنها اعتقادی نیست، بلکه شبکه‌ای از مؤلفه‌های درهم‌تنیده ایمانی، اخلاقی و وجودی را دربرمی‌گیرد که تبیین نسبت میان آن‌ها، از مسائل بنیادین حدیث پژوهی امامیه به شمار می‌آید. در متون روایی، مفاهیمی چون تولّی، طهارت قلب و تسلیم، بارها در پیوند با یکدیگر مطرح شده‌اند. با این حال، نسبت دقیق این مفاهیم و چگونگی ترتب آن‌ها بیشتر مفروض انگاشته شده و کمتر به مثابه یک مسئله مستقل و درون‌متنی مورد واکاوی قرار گرفته است. در این میان، روایت ابو خالد کابلی از امام محمد باقر (علیه‌السلام) جایگاهی ممتاز دارد؛ روایتی که در عین ایجاز، واجد پیچیدگی معناشناختی و ساختاری قابل توجهی است. امام باقر (علیه‌السلام) در این روایت می‌فرماید: «... يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِثُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبُهُ وَلَا يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلَامًا لَنَا؛ فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ أَمَنَهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ» (کلینی، ۱۴۰۷/۱: ۱۹۴). ساختار این روایت، در نگاه نخست، با نوعی ابهام درونی و چالش مفهومی روبه‌روست. از یک سو، محبت و تولّی نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) منوط به تطهیر قلب معرفی شده است: (لَا يُحِثُّنَا... حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبُهُ) و از سوی دیگر، تحقق طهارت قلب خود مشروط به تسلیم در برابر ایشان دانسته شده است: (وَلَا يُطَهَّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا). این چینش مفهومی، پرسشی بنیادین را پیش می‌کشد: اگر تولّی بدون طهارت قلب ممکن نیست و طهارت قلب نیز بدون تسلیم تحقق نمی‌یابد، نقطه آغاز این سیر ایمانی کجاست و ایمان ولایی از کدام مؤلفه آغاز می‌شود؟

افزون بر این، حضور مکرر واژه «حتّی» در روایت، نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم نسبت میان این مفاهیم ایفا می‌کند. این واژه می‌تواند تنها دلالتی توضیحی یا زمانی داشته باشد، یا آنکه حامل معنای غایت، ترتب علّی و سیر تدریجی باشد. غفلت از دلالت دقیق

«حتی» می‌تواند به قرائتی هم‌سطح‌ساز بینجامد که مفاهیم تولی، طهارت و تسلیم را بدون نظم درونی و غایت‌مندی تلقی کند؛ قرائتی که نه تنها با ظاهر روایت، بلکه با منطق تربیتی حاکم بر کلام اهل بیت علیهم‌السلام ناسازگار خواهد بود.

ازاین‌رو، روایت ابوخلد کابلی تنها گزارشی از فضیلت تولی یا تسلیم نیست، بلکه متنی مسئله‌مند است که نیازمند تحلیل ساختاری و معناشناختی دقیق است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان با تکیه بر قرائن سیاقی روایت و شواهد هم‌خانواده روایی و قرآنی، از ابهام ظاهری موجود عبور کرد و نسبت منطقی و وجودی میان تولی، طهارت قلب و تسلیم را بازسازی نمود؟ آیا این روایت، ناظر به چرخه‌ای بسته و دُوری مفهومی است، یا آنکه سیر تدریجی و غایت‌مندی را در تحقق ایمان ولایی ترسیم می‌کند؟ براین اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با رویکردی توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع اصیل روایی، به واکاوی درون‌روایی روایت ابوخلد کابلی پرداخته، با تمرکز بر دلالت واژه «حتی»، ساختار ترتبی و تربیتی مفاهیم «تولی»، «طهارت» و «تسلیم» را در منظومه ایمان شیعی تبیین کند.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه مفاهیم بنیادینی همچون تولی، طهارت قلب و تسلیم در سنت حدیثی شیعه، در سال‌های اخیر در قالب پژوهش‌هایی موضوع‌محور و گاه تطبیقی دنبال شده است. بااین‌حال، تمرکز بر روایت خاص ابوخلد کابلی و تحلیل ارتباط درونی این سه مفهوم در چهارچوب یک روایت، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در حوزه مطالعات مرتبط، می‌توان به مجموعه‌ای از پژوهش‌ها اشاره کرد که هریک به گونه‌ای به یکی از سه مؤلفه مورد بحث پرداخته‌اند. در میان مقالات علمی، نمونه‌های شاخص عبارت‌اند از:

- «ولایت باطنی امامان معصوم» (حسینی سیاه‌کلودی، ۱۳۸۸: ۱۵-۳۲) که با بررسی دو معنای «قرب» و «سرپرستی» برای واژه ولایت، به اثبات ولایت باطنی امام پرداخته و امام را به اذن الهی، صاحب ولایت بر جهان هستی معرفی کرده است.

- «طهارت از منظر عارفان مسلمان» (طباطبایی و مؤمنی، ۱۳۹۳: ۳۳-۵۴) که طهارت

- ظاهری و باطنی و مراتب دستیابی به آن‌ها را از منظر بزرگان عرفان واکاوی نموده است.
- «بررسی تحوّل معناشناختی واژهٔ حبّ در قرآن کریم نسبت به ادبیات عصر جاهلی» (صیادانی، شفائی و شریف عسکری، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۴۳) که به تحلیل تغییرات معناشناختی بنیادین واژهٔ «حبّ» و مشتقات آن و مقایسهٔ نظام زبانی عصر نزول با ادبیات جاهلی پرداخته است.
 - «تأثیر قلب بر معرفت از منظر صدر» (اجلی و کاوندی، ۱۳۹۵: ۱۸۳-۱۹۵) که براساس دیدگاه ملاصدرا، معرفت را مبتنی بر قلب دانسته، فهم آیات الهی را منوط به طهارت قلبی معرفی می‌کند.
 - با وجود تنوع این پژوهش‌ها، مطالعه‌ای که به طور خاص رابطهٔ سه‌گانهٔ طهارت قلب، تولّی و محبت را با تسلیم تبیین کند، شناسایی نشد.
 - در میان کتب موجود، از آثار ذیل می‌توان یاد کرد:
 - مبانی نظری و عملی حبّ اهل بیت (طاهرزاده، ۱۳۸۸ش) که با تبیین مفهوم مودّت و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام)، برکات محبت به ایشان را بررسی کرده و درنهایت جایگاه مخلصان را در نظام هستی توضیح داده است. بااین حال، هدف آن، کشف پیوند محبت و تولّی با طهارت قلب و تسلیم نبوده است.
 - تأثیر ولایت بر زندگی انسان‌ها: آثار اجتماعی، تربیتی و سیاسی تولّی و تبرّی (نیکویی، ۱۳۹۴ش) که پیامدهای ولایت‌پذیری را از ابعاد گوناگون بررسی نموده، ولی ارتباط میان طهارت، تسلیم و تولّی را مطرح نکرده است.
 - ولایت الهیه (میرباقری، ۱۳۹۷ش) که به طور پراکنده به ارتباط میان تولّی، طهارت و تسلیم اشاره دارد؛ اما تبیین نظام‌مند این رابطه را ارائه نکرده است. نویسنده در تحلیل روایت مورد بحث، نوع رابطهٔ علی را در عبارت پایانی از نوع استثناء دانسته، در حالی که پژوهش حاضر این رابطه را با رویکردی متفاوت تبیین می‌کند.
 - مبانی کلامی و عقلی حبّ و بغض یا تولّی و تبرّی (سیدعربی، ۱۴۰۳ش) که به مبانی وجودی و ضرورت دو اصل تولّی و تبرّی پرداخته است؛ اما بررسی ارتباط آن‌ها با

طهارت و تسلیم را در دستور کار نداشته است.

در حوزه پایان نامه ها نیز می توان به مواردی همچون تفسیر تطبیقی تولی و تبری و آثار آن از قرآن و حدیث (حیدر زیدی، ۱۳۸۶ ش)، شاخصه ها و آثار تسلیم در برابر خدا از منظر قرآن و روایات (جوادی فر، ۱۳۹۱ ش) و بررسی موضوعیت و طریقت ولایت ائمه معصومین علیهم السلام (موحد، ۱۳۹۶ ش) اشاره کرد. هرچند این آثار به یکی از اضلاع سه گانه رابطه مورد نظر (تولی، طهارت یا تسلیم) پرداخته اند، واکاوی جامع ارتباط این سه مؤلفه در آن ها غایب است و حلقه مفقوده پژوهش های پیشین محسوب می شود.

بنابراین باید اذعان داشت که تا کنون پژوهشی جامع که با تمرکز بر روایت ابو خالد کابلی، به تحلیل ساختاری و مرحله ای مفاهیم «تولی»، «طهارت» و «تسلیم» در کنار یکدیگر بپردازد، تدوین نشده است. جای خالی چنین پژوهشی به ویژه از آن رو محسوس است که این روایت از حیث دلالتی و تربیتی، قابلیت ارائه یک الگوی منسجم از فرایند شکل گیری ایمان شیعی را داراست. پژوهش حاضر، با لحاظ این خلأ علمی می کوشد با روشی تحلیلی و با تکیه بر منابع اصیل روایی و تفسیری، گامی در جهت تبیین منسجم و دقیق این سه گانه معرفتی بردارد.

۳. اهداف تحقیق

پژوهش حاضر با تمرکز بر روایت ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام، در پی تبیین نظام مند نسبت میان سه مؤلفه بنیادین «تولی»، «طهارت» و «تسلیم» در منظومه اعتقادی شیعه است. هدف اصلی تحقیق، کشف ساختار درونی و ترتب معنایی این مفاهیم برپایه تحلیل معناشناختی روایت و قرائن سیاقی آن است. در همین راستا، پژوهش می کوشد نشان دهد که این سه مؤلفه نه به صورت مفاهیمی هم عرض، بلکه در قالب یک سیر تدریجی و تربیتی در کلام امام معصوم علیه السلام سامان یافته اند.

از اهداف فرعی تحقیق می توان به واکاوی دلالت واژه «حتی» در روایت مذکور و تعیین نقش آن در فهم رابطه علی میان محبت و تولی، طهارت قلبی و تحقق مقام تسلیم اشاره کرد. همچنین این پژوهش درصدد است با استناد به شواهد روایی و قرآنی، جایگاه تولی

اهل بیت علیهم السلام را به عنوان منشأ تطهیر قلب و مقدمه تحقق تسلیم حقیقی تبیین کند و بدین وسیله قرائتی منسجم از شاخص های هویت ایمانی شیعه ارائه دهد.

۴. ضرورت بحث

ضرورت پرداختن به موضوع حاضر از آنجا ناشی می شود که در بسیاری از مطالعات اعتقادی و کلامی شیعه، مفاهیمی چون ولایت، تولی، طهارت و تسلیم بیشتر به صورت مستقل یا توصیفی بررسی شده اند و کمتر به نسبت درونی، ترتب معنایی و پیوند تربیتی آن ها در متون روایی توجه شده است. این در حالی است که روایات اهل بیت علیهم السلام، به ویژه روایات ناظر به هویت شیعی، واجد ساختاری منسجم و هدفمندند که فهم دقیق آن ها مستلزم تحلیل هم زمان معناشناسی مفاهیم و نظام ارتباطی میان آن ها است.

از سوی دیگر، روایت ابو خالد کابلی به سبب صراحت در بیان مراحل تحقق ایمان ولایی، ظرفیتی ممتاز را برای بازخوانی معیارهای تشیع اصیل فراهم می آورد؛ ظرفیتی که تاکنون کمتر به صورت مستقل و تحلیلی بدان توجه شده است. بررسی دقیق این روایت می تواند از تقلیل مفاهیمی چون تولی و تسلیم به سطوح صرفاً عاطفی یا شعاری جلوگیری کرده، آن ها را در بستریک سیر درونی و اخلاقی معنا کند.

افزون بر این، تبیین نسبت میان تولی، طهارت قلب و تسلیم، نقشی مهم در پاسخ به برخی چالش های معاصر در حوزه هویت دینی و تربیت ایمانی شیعه دارد؛ چراکه این تبیین نشان می دهد ایمان ولایی نه صرف ادعا، بلکه فرایندی وجودی و التزام آور است. از این رو، پژوهش حاضر می تواند گامی در جهت تعمیق فهم اعتقادی، تقویت خوانش روایی از مفهوم ولایت و بازسازی شاخص های ایمان شیعی برپایه نصوص معتبر اهل بیت علیهم السلام تلقی شود.

۵. متن روایت و بسامد آن

روایت دارای یک گونه نقل است که در تفسیر قمی به عنوان اولین منبع چنین ذکر شده است: «عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابِلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ

رَسُولِهِ وَ النَّورَ الَّذِي أُنْزِلْنَا [تغابن/۸]، فَقَالَ: يَا أَبَا خَالِدٍ، التُّورُ وَاللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أُنْزِلَ وَ هُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ. وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أُنُورُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيَّةِ بِالنَّهَارِ وَ هُمْ وَاللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَحْجُبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلِمُ قُلُوبُهُمْ. وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سِلْمًا لَنَا؛ فَإِذَا كَانَ سِلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ آمَنَهُ مِنْ فَرَجِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ» (قمی، ۱۴۰۴: ۳۷۱/۲-۳۷۲).

ابو خالد کابلی گفت: از امام باقر علیه السلام تفسیر سخن خدای عزیز و بلندمرتبه را که فرمود: «به خدا و رسولش و نوری که فرستاده ایم، ایمان آورید» پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند: ای ابا خالد، به خدا سوگند مقصود از نور، ائمه از آل محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت اند، به خدا که آن ها همان نور خداوندند که فرو فرستاده است، به خدا که ایشان نور خدا در آسمان ها و زمین اند، به خدا سوگند ای ابا خالد، نور امام در دل مؤمنان از نور خورشید تابان در روز، روشن تر است و به خدا سوگند که ائمه دل های مؤمنان را نورانی می کنند و خدا از هر کس بخواهد، نور ایشان را پنهان می دارد، پس دل آن ها تاریک می شود. به خدا سوگند ای ابا خالد! بنده ای ما را دوست نمی دارد تا هنگامی که خدا قلبش را پاکیزه می کند و خدا قلب بنده ای را پاکیزه نمی کند تا زمانی که تسلیم ما می شود و در سازش با ما می باشد و چون با ما سازش کرد، خدا از حساب سخت نگاهش می دارد و از ترس بزرگ روز قیامت ایمنش می نماید.

این روایت به نقل از تفسیر قمی در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۳۰۸)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰: ۳/۱۲۰) و سفینه البحار (قمی، ۱۴۱۴: ۸/۳۴۲) ذکر شده است. همچنین با سندی متفاوت، شیخ کلینی آن را در کتاب الکافی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۹۴) نقل کرده است. دیگران نیز بنابر نقل شیخ کلینی ثبت کرده اند؛ منابعی مانند تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۷۲)، الوافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳/۵۰۹)، البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی، ۱۳۷۴: ۵/۳۹۶)، مرآة العقول (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۳۵۲) و تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۳/۲۸۰).

۶. بررسی سندی

بررسی کتب حدیثی نشان می‌دهد که روایت با دو سند نقل شده است؛ یکی سندی که در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی به عنوان نخستین منبع آمده است: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابَلِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام....

و دیگری سندی که در کافی ذکر شده است: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مِزْدَاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام....

این دو طریق و راویان آن‌ها را به صورت نمودار ذیل می‌توان نشان داد. در ادامه، ابتدا به بررسی وضعیت رجالی راویان سند تفسیر قمی و سپس راویان سند کافی می‌پردازیم.



۶-۱. سند تفسیر قمی

۲) علی بن حسین: طبق مبنای علامه مجلسی مراد از علی بن حسین همان علی بن حسین بن بابویه سعدآبادی از راویان برقی (خویی، ۱۴۱۳: ۳۲/۲) و از مشایخ علی بن ابراهیم می‌باشد (خویی، ۱۴۱۳: ۱۱/۳۶۰). بنابراین سند دارای اتصال است. وی ثقه، جلیل و امامی مذهب است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۲؛ همو، ۱۴۲۰: ۲۷۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۲ و ۲۷۱؛ حلی، ۱۳۸۱: ۹۴). گرچه برخی بنابر تحقیق معتقدند که نقل علی بن ابراهیم از علی بن حسین سعدآبادی مستبعد است (بنگرید به: آجلو، ۱۴۰۱: ۱۱۶)؛ اما براین اساس که علی بن حسین در میان مشایخ علی بن ابراهیم یافت نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۳: ۱۱/۱۹۵)، نمی‌توان به این حکم کرد که وی راوی فردی به نام برقی است، چنان‌که علامه مجلسی برداشت کرده و به جای نام جعفر بن ابی عبدالله، از «البرقی» استفاده کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۲۳). علاوه بر این، از آنجا که

حدیث ناظر به سوره تغابن است و شواهدی بر این اقامه شده که از سوره آل عمران به بعد تعابیر تفسیری تغییر می‌کند (بنگرید به: شبیری زنجانی، ۱۳۷۶: ۵۰؛ موسوی، ۱۳۶۹: ۸۴-۹۰)، الحاق این روایت به دیگر روایات علی بن ابراهیم اندکی دشوار می‌نماید؛ از این رو، پذیرش این سند به نام علی بن ابراهیم مستبعد به نظر می‌رسد. ۳) جعفر بن ابی عبدالله: در چاپ موجود از تفسیر قمی در کنار نام جعفر بن ابی عبدالله، نام احمد بن عبدالله ذکر شده که به نظر از جانب محقق کتاب درج شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۳۷۱/۲). به علاوه در سند منابع بعدی، مانند بحار الأنوار که به نقل از تفسیر قمی روایت را ذکر کرده‌اند به نام برقی تصریح شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۲۳؛ هاشمی خوئی، ۱۴۰۰: ۱۲۰/۳).

به دلیل ابهام در تشخیص این راوی و راوی پس از او، می‌توان دو مبنا را در نظر گرفت: مبناي نخست، دیدگاه علامه مجلسی است. ایشان جعفر بن ابی عبدالله را همان برقی دانسته و از همین رو در نقل سند خود در بحار الأنوار به جای نام «جعفر بن ابی عبدالله» از عنوان رجالی «البرقی» استفاده کرده است. براساس این مبنا، با توجه به طبقه‌شناسی و بازشناسی راویان و مشایخ، احمد بن عبدالله برقی در شمار راویان ابن محبوب و در زمره مشایخ علی بن حسین بن بابویه قرار می‌گیرد (خویی، ۱۴۱۳: ۳۱/۲) و سند در این بخش اتصال دارد. او ثقه و امامی مذهب بوده (ابن داود، ۱۳۴۲: ۱۴۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۵۳)، ولی از ضعفا روایت نقل می‌کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۷؛ حلی، ۱۳۸۱: ۱۵)؛ اما چنانچه مبناي دیگری را بخواهیم بپذیریم اعتبار سند دچار ضعف خواهد شد؛ زیرا با استفاده از علم طبقات و با تتبع در منابع رجالی نمی‌توان نام علی بن حسین را در میان مشایخ حدیثی علی بن ابراهیم یافت (بنگرید به: خویی، ۱۴۱۳: ۱۹۵/۱۱) و نیز نام جعفر بن ابی عبدالله در کتب رجالی موجود نیست، هرچند آیت الله خویی یادآور شده است که در نسخه جدید، «احمد بن ابی عبدالله» به جای «جعفر بن ابی عبدالله» ثبت شده است (بنگرید به: همان، ۱۶/۵)؛ اما سند در این صورت، به دلیل جهالت دو راوی، ضعیف تلقی خواهد شد.

(۴) حسن بن محبوب سزاد: در کتب رجال ثقه و امامی مذهب معرفی شده است (کشی، ۱۳۶۳: ۵۵۶؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۴؛ همو، ۱۴۲۰: ۱۲۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۳؛ حلی، ۱۳۸۱: ۳۷).

(۵) ابویوب الخراز: ثقه و امامی مذهب (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۰؛ کشی، ۱۳۶۳: ۳۶۶؛ حلی، ۱۳۸۱: ۵) از مشایخ حسن بن محبوب و صفوان بن یحیی و از شاگردان ابو خالد کابلی است (خویی، ۱۴۱۳: ۳۶/۲۱) بنابراین سند در این قسمت دارای اتصال است.

(۶) ابو خالد: از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و از اصحاب نزدیک امام سجاد علیه السلام و بسیار جلیل القدر، امامی و ثقه است که در کتب رجال با نام گنگر نیز یافت می شود (برقی، ۱۳۴۲: ۸؛ کشی، ۱۳۶۳: ۱۱۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۸؛ خویی، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۱۵).

با تحلیل سند در تفسیر قمی می توان نتیجه گرفت که این سند، بر اساس مبنای علامه مجلسی صحیح است؛ اما برپایه دیدگاهی که جعفر بن ابی عبدالله را «برقی» نمی داند، این سند ضعیف تلقی می شود.

۶-۲. سند کافی

جدای از راویان مشترک میان دو سند که شرح حال آن ذیل سند تفسیر قمی گذشت، وضعیت رجال دیگر راویان بدین شرح است:

(۱) حسین بن محمد الاشعری: از مشایخ شیخ کلینی است که شیخ از او بسیار نقل روایت کرده است (خویی، ۱۴۱۳: ۷۲/۶). بنابراین در این قسمت نیز سند متصل است، ولی در کتب رجال متقدم شرح حالی از او به دست نمی آید.

(۲) معلی بن محمد البصری: وی را دارای حدیث و مذهب مضطرب می دانند که از ضعف نقل می کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۸؛ حلی، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

(۳) علی بن مرداس: از شاگردان حسن بن محبوب و صفوان بن یحیی و از مشایخ معلی بن محمد است. از این رو در این قسمت نیز سند دارای اتصال است، ولی درباره شخصیت

و شرح حال علی بن مرداس اطلاعاتی در دسترس نیست و در کتاب *زبدة المقال*، وی مجهول خوانده شده است (مرتضی، ۱۴۲۶: ۸۴/۲؛ خویی، ۱۴۱۳: ۴۵۱/۱۰ و ۱۷۹/۱۲).
 (۴) صفوان بن یحیی: ثقه، جلیل القدر و امامی (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳۸؛ همو، ۱۴۲۰: ۲۴۲) و از راویان ابویوب الخراز است (خویی، ۱۴۱۳: ۳۶/۲۱).

۶-۳. ارزیابی اعتبار طریق روایت

سند تفسیر قمی با دو مبنا تحلیل شد. اگر مبنای علامه مجلسی اتخاذ شود، در مقایسه با سند کافی، به سبب شمار کمتر راویان، از حیث اختصار و استحکام، از اسناد عالی به شمار می آید، به خصوص که سند از اولین راوی، علی بن ابراهیم، تا معصوم علیه السلام دارای اتصال است و همه راویان ثقه و امامی هستند؛ اما بنابر مبنای دیگر، سند تفسیر قمی ضعیف خواهد بود. از سوی دیگر سند کافی هرچند متصل است، به دلیل وجود افراد مجهول و همچنین جرح «معلى بن محمد البصری»، ضعیف به شمار می آید. به علاوه سند حدیث در کتاب کافی دارای حیلولة است و حدیث در کتاب کافی مشتمل بر دو سند است. با این حال براساس برخی قرائن و شواهد، ضعف سند کافی جبران پذیر است. این قرائن عبارت اند از: اعتبار کتاب کافی به عنوان یکی از کتب اربعه شیعه و اهتمام شیخ کلینی برای نقل روایات معتبر در آن (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۱)، قرار گرفتن این روایت به عنوان اولین حدیث باب که نشان از اعتبار آن نزد مؤلف دارد (همان، ۱۹۴/۱)؛ چنان که برخی روش کلینی در نقل احادیث کافی را مبتنی بر تنظیم احادیث براساس ترتیب صحت و وضوح پذیرفته اند (صدر، بی تا: ۵۴۵) و انتهای ابواب خالی از اجمال و اخفاء نیست (بنگرید به: موسوی خوانساری، ۱۳۹۰: ۱۱۶/۶)؛ اما برخی دیگر به دلیل تصریح نکردن خود کلینی و نبود دلیلی محکم، آن را برنرفته اند (حسینی جلالی، ۱۴۲۵: ۱۶۰). بنابراین با اتکا به مجموع قرائن و مهم تر براساس اینکه چه مبنایی اتخاذ خواهد شد، می توان روایت را در جایگاه و محملی میان صحت و ضعف نگاه داشت.

۷. بررسی محتوایی

تحلیل محتوایی روایت ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام مستلزم واکاوی دقیق مفاهیم

کلیدی و ساختار درونی آن است. این روایت دربردارنده مؤلفه‌های اصلی «تولی»، «طهارت قلب»، «تسلیم» و «حب» است که در این روایت هم‌نشین یکدیگر شده‌اند. فهم عمیق این مفاهیم و نسبت آن‌ها با یکدیگر، نه تنها ما را به درک دقیق‌تر از منظومه ایمان در نگاه شیعی رهنمون می‌شود، بلکه نشان می‌دهد چگونه مفاهیم اعتقادی در چهارچوبی روشمند، سیر تربیتی - درونی انسان مؤمن را ترسیم می‌کنند. در این بخش، پس از تبیین مفاهیم محوری روایت، به بررسی ساختار روایی، سیاق متن و مدل‌سازی معنایی آن پرداخته می‌شود.

۷-۱. مفهوم‌شناسی

روایت مورد بررسی، سه مفهوم بنیادین «تولی»، «طهارت قلب» و «تسلیم» را به عنوان ارکان هویت ایمانی شیعه معرفی می‌کند. تبیین دقیق این مفاهیم، گام نخست در تحلیل محتوایی روایت به شمار می‌آید.

۷-۱-۱. تولی

«تولی» مصدر باب «تفعّل» از ریشه «ول-ی» به معنای نزدیکی و قرب است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۰۲/۱۳) و به دو صورت به کار می‌رود: ۱. بدون حرف اضافه، به معنای دوستی داشتن با کسی، پیروی کردن از او، ولی گرفتن وی و یاری رساندن به او (زوزنی، ۱۳۷۴: ۸۲۱/۲؛ بیهقی، ۱۳۶۶-۱۳۷۵: ۸۱۸/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۲/۱۵-۴۰۳ و ۴۰۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۱۶/۲۰)؛ ۲. با حرف اضافه «عَنْ»، به معنای روی گرداندن. دو اصل «تولی» و «تبری» در اسلام به معنای دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداست. براساس منابع شیعی، تولی به معنای دوست داشتن، تصدیق و تبعیت، پذیرش ولایت خدا و پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام است. در احادیث بسیاری محبت و رزیدن به اهل بیت علیهم السلام به عنوان مهم‌ترین رکن ایمان (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۲۵؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱۶۵/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵۱/۱۸؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۵۱/۲) و از مهم‌ترین واجبات دینی دانسته شده است (بحرانی، ۱۴۲۲: ۴۶/۶-۹۱). اساساً لازمه محبت تمام عیار و صادقانه به یک شخص، موافقت با او و تصدیق و تبعیت از وی است (بهبهانی، ۱۴۱۸: ۲۹۸-۲۹۹).

از این رو، تصدیق امامت ائمه دوازده گانه علیهم السلام از جمله اصول تحقق ایمان و بلکه از ضروریات مذهب امامیه است (مظفر، ۱۳۸۷: ۷۶). براین مبنا خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است آن هنگام که تَوَلَّى، تَبَرَّى، تسلیم و رضا در بنده ای جمع شود، ایمان حاصل شده، می توان فرد را مؤمن نامید (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۷: ۵۶۷).

۷-۱-۲. طهارت

«طهارت» مصدر ثلاثی مجرد از ریشه «ط-ه-ر» به معنای پاکی است، خواه پاکی از گناه باشد، خواه پاکی از نجاست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۵۰۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۳۷۸). در قرآن کریم طهارت در دو معنای طهارت جسم و طهارت نفس به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۵). برهمین اساس برخی از علما، طهارت را بر دو قسم ظاهری و باطنی دانسته اند. مراتب طهارت ظاهری عبارت اند از: ۱. طهارت بدن از آلودگی و نجاسات؛ ۲. طهارت حواس از رها شدن در کارهای غیرلازم؛ ۳. طهارت اعضا از رها کردن آن ها در تصرفات خارج از دایره اعتدال که برحسب شرع و عقل مذموم است. طهارت باطنی نیز دارای این مراتب است: ۱. طهارت ذهن؛ ۲. طهارت عقل؛ ۳. طهارت قلب؛ ۴. طهارت سر، که در اثر آن، دل با نور معرفت از ظلمات اوهام به در آمده، به زینت توحید حقیقی که توحید قرآنی است، آراسته می شود (حسن زاده آملی، ۱۳۷۱: ۱۵۳-۱۵۴).

واژه «تطهیر» نیز از همین ریشه و در لغت به معنای پاک کردن و ازاله نجاست و آلودگی آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۵؛ قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۴/۲۴۳). تطهیر از باب تفعیل بوده و در اصطلاح آیات و روایات نیز معنایی مشترک با معنای لغوی دارد (برای نمونه، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰۹/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/۲۹۳).

۷-۱-۳. تسلیم

«تسلیم» از ریشه «س-ل-م» به معنای گردن نهادن، راضی شدن، سلام کردن، عافیت طلبیدن و دوری جستن از آفت و بلاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۸۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۸۳). افزون بر این معانی، در قرآن کلمه تسلیم دو بار به معنای

گردن نهادن به امر خدا و رسول (نساء/ ۶۵؛ احزاب/ ۲۲) و یک بار به معنای تحیت و تعظیم (احزاب/ ۵۶) به کار رفته است. تسلیم در احادیث فریقین به معنای فرمان برداری از خداوند آمده و از لوازم عقل شمرده شده است (ابن حنبل، ۱۳۱۳: ۱/ ۲۳۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۹-۷۰). تسلیم، ترک اعتراض در امور وارد بر شخص، با قطع تعلق کلی شخص به آن‌ها و سپردن همه کارها به خداوند است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۵۷: ۸۵-۸۶). تسلیم شدن در برابر ائمه علیهم‌السلام نیز یعنی پیروی از ایشان در عقاید، کردار، گفتار و پذیرفتن همه آن‌ها، هرچند حکمتشان برای فرد آشکار نباشد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۲: ۵/ ۲۱۱).

۷-۱-۴. حَبّ

«حَبّ» در لغت به معنای دوست داشتن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/ ۳۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۴) و در اصطلاح، گرایش به سوی چیزی لذت بخش و سازگار با طبع انسان و کمال اوست (غزالی، بی تا: ۴/ ۳۱۴). دوست داشتن هر چیز مستلزم دوست داشتن همه متعلقات آن است و باعث می شود که انسان در برابر هر چیزی که در جانب محبوب است، تسلیم باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/ ۵۱۳). بر همین مبنا روایات شیعه حَبّ به اهل بیت علیهم‌السلام را عین حَبّ به خدای متعال دانسته اند؛ چنان که از معصومان علیهم‌السلام نقل است: «مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/ ۱۲۹).

۷-۲. تحلیل ساختار روایی و سیاق متن

تحلیل ساختار درونی یک روایت، تنها به شناسایی مفاهیم کلیدی آن محدود نمی شود، بلکه مستلزم واکاوی چگونگی چینش گزاره ها، ترتیب علّی و تربیتی مفاهیم، و دلالت های نحوی - بلاغی متن است. در روایت ابو خالد کابلی مفاهیم تولّی، طهارت و تسلیم در قالب یک نظم مفهومی - تربیتی مطرح شده اند. فهم این نظم در گرو بررسی دقیق واژگان کلیدی روایت، به ویژه واژه «حتّی» است که تعیین معنای آن می تواند مسیر دریافت مفهومی روایت را به کلی تغییر دهد.

۷-۲-۱. نقش زبانی «حتّی» در ترسیم ساختار علی روایت

واژه «حتّی» در زبان عربی از حروف متنوع المعنی است که بنا به سیاق جمله، یکی از سه معنای اصلی را افاده می‌کند: ۱. غایت (انتهای و نهایت)؛ یعنی آنچه پس از «حتّی» آمده، هدف یا غایت برای ماقبل است، مانند: «أَكَلْتُ السَّمَكَةَ حَتَّى رَأْسِهَا»؛ ۲. تعلیل (بیان علت)؛ یعنی آنچه بعد از حتّی می‌آید، علّت برای ماقبل آن است، مانند: «شَرِبْتُ الدَّوَاءَ حَتَّى أَصَحَّ»؛ ۳. استثناء (معنای مشابه با «إِلَّا»)؛ یعنی مابعد حتّی، خارج از حکم ماقبل آن است، مانند: «لَيْسَ الْعَطَاءُ مَوْجُوداً حَتَّى تَجُودَ». این معنا کاربرد نادرتری دارد و تنها برخی نحویان آن را ذکر کرده‌اند. همچنین شایان ذکر است که کاربرد «حتّی» در کلام عرب ذیل سه عنوان نحوی قرار می‌گیرد: ۱. حرف جرّ؛ ۲. حرف عطف؛ ۳. حرف ابتدا، که هریک احکام خاص و خصوصیات استعمالی منحصر به فرد دارند (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۱۲۲/۱ و ۱۲۳؛ صفایی، ۱۳۸۷: ۱۰۵/۱).

در عبارت پایانی روایت ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام، واژه «حتّی» دو بار تکرار شده است؛ کاربردی که نقشی تعیین کننده در فهم رابطه مفهومی میان سه عنصر کلیدی روایت؛ یعنی تولی، طهارت و تسلیم ایفا می‌کند: «يَا أَبَا خَالِدٍ، لَا يُجِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلَامًا لَنَا؛ فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحَسَابِ وَ آمَنَهُ مِنْ فَرَجِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ» (قمی، ۱۴۰۴: ۳۷۱/۲-۳۷۲). در تفسیر این عبارت، دو احتمال معنایی برای «حتّی» قابل طرح است:

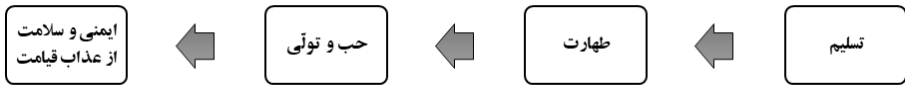
۷-۲-۱-۱. «حتّی» به معنای غایت

در این صورت، ترتیب معنایی جمله چنین خواهد بود: تولی شرط تحقق طهارت قلب است و طهارت مقدمه تسلیم خواهد بود. بنابراین، ترجمه عبارت چنین می‌شود: «بنده‌ای ما را دوست نمی‌دارد، تا آنکه خدا دلش را پاک می‌کند و خداوند قلب بنده‌ای را پاک نمی‌کند تا آنکه تسلیم ما شود». در این معنا، تسلیم نتیجه طهارت قلب است و طهارت، خود نتیجه حبّ و تولی است.



۲-۱-۲-۷. «حتّی» به معنای استثناء

در این صورت، ترتیب معنایی جمله چنین خواهد بود: تولّی به اهل بیت علیهم السلام تنها در صورتی تحقق می‌یابد که قلب فرد طهارت یافته باشد و این طهارت نیز مشروط به تسلیم در برابر ولایت معصومان علیهم السلام است. بنابراین، ترجمه عبارت چنین می‌شود: «بنده‌ای ما را دوست نمی‌دارد، مگر اینکه خدا دلش را پاک کند و خداوند قلب بنده‌ای را پاک نمی‌کند، مگر اینکه تسلیم ما شود». در این معنا، تسلیم مقدمه طهارت و طهارت شرط حب و تولّی است.



بنابراین واژه «حتّی» در این عبارت، بر پایه هریک از معانی، مسیری متفاوت را برای نیل به سلامت از عذاب و ایمنی روز قیامت ترسیم می‌کند. تقدّم تولّی اهل بیت علیهم السلام بر طهارت و تسلیم یا تقدّم تسلیم بر طهارت و حبّ به اهل بیت علیهم السلام، حاکی از دو ارتباط مفهومی - وجودی متفاوت است که ترجیح یکی از آن‌ها به عنوان مقصود امام علیه السلام وابسته به تعیین معنای «حتّی» در روایت فوق است.

در نگاه اول، هر دو ساختار زبانی از حیث نحو قابل پذیرش‌اند؛ باین حال، تعداد کمی از نحویان «حتّی» را به معنای استثناء در نظر می‌گیرند و این معنا کاربرد کمتری دارد. آنچه غالب است، معنای حتّی به غایت و نهایت است (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۱۲۲/۱؛ صفایی، ۱۳۸۷: ۱۰۵/۱). براین اساس، تفسیر «حتّی» به معنای غایت، با ظاهر روایت و ساختار آن انطباق بیشتری دارد.

۲-۲-۷. سیاق روایت و ترجیح معنای غایت

جدای از تحلیل نحوی، سیاق روایت نیز در تعیین معنای «حتّی» نقش اساسی ایفا می‌کند. بررسی متن روایت نشان می‌دهد که امام علیه السلام ابتدا از حبّ و تولّی آغاز می‌کند، سپس طهارت قلب و در نهایت تسلیم در برابر ولایت را مطرح می‌نماید. در ادامه نیز به آثار

تسلیم اشاره می‌کند. این ترتیب در چینش واژگان، ظهور در توالی معنایی میان مفاهیم مزبور دارد، بدین صورت که حَبَّ و تَوَلَّى مقدم بر طهارت قلب و طهارت مقدم بر تسلیم باشد؛ ترتیبی که مؤید احتمال اول است.

علاوه بر این، مضارع بودن دو فعل «يَطْهَرُ» و «يَسْلَمُ» که بعد از «حَتَّى» واقع شده‌اند، بر متأخر بودن مابعد «حَتَّى» از ماقبل آن دلالت دارند؛ یعنی طهارت قلب متأخر از تَوَلَّى و تسلیم متأخر از طهارت قلب است. این قرینه نیز احتمال اول را تأیید می‌کند.

ازسوی دیگر، به قرینه سیاق شرط، در عبارت «فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ» که ابتدا سبب و سپس مسبب آمده است، انتظار می‌رود در جملات قبل نیز ابتدا سبب و سپس مسبب ذکر شده باشد. ازاین‌رو احتمال اول که مبتنی بر تقدیم سبب بر مسبب است با سیاق روایت سازگارتر است. در این صورت کاربرد «حَتَّى» در این روایت همچون کاربرد آن در حدیث ثقلین: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنِّي تَمَسَّكْتُكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (صفر، ۱۴۰۴: ۴۱۳/۱) و حدیث همراهی علی عليه السلام با قرآن است: «عَلَيَّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۶۰).

از منظر روان‌شناختی و اخلاقی نیز کسی که حَبَّ صادقانه‌ای به اهل بیت علیهم السلام دارد، از گناه اجتناب می‌کند. همین انگیزه درونی زمینه‌ساز طهارت و پاکی قلب است. آن‌گاه طهارت درونی، شخص را برای انقیاد کامل در برابر اوامر اولیای الهی مهیا می‌کند. براین‌اساس اندیشمندان معتقدند تبعیت از ائمه علیهم السلام و نفی هرگونه ترازوی سنجش در عرض ایشان، مقدمه وصول به مقام سلم است (میرباقری، ۱۳۹۷: ۲۱۴/۱). ازاین‌رو احتمال اول که تَوَلَّى و طهارت را مقدمه تسلیم و وصول به مقام سلم می‌داند، ترجیح دارد.

۷-۲-۳. نقد معنای استثناء برای «حَتَّى»

در صورت پذیرش معنای استثناء برای «حَتَّى»، تسلیم مقدمه طهارت و طهارت مقدمه حَبَّ خواهد بود؛ اما چنین ترتیبی، با ظاهر روایت و قواعد سیاق شرط ناسازگار است؛ چراکه اولاً از جهت نحوی کاربرد «حَتَّى» در معنای استثناء نادر است. ثانیاً فعل مضارع

به طور کلی بعد از «حتی» در صورتی منصوب می شود که معنای استقبال داشته باشد، خواه نسبت به زمان تکلم و خواه نسبت به ماقبلش و این قاعده نسبت به موارد نادر حتی استثنائیه هم صادق است؛ مانند این شعر: «لَيْسَ الْعَطَاءُ مِنَ الْفُضُولِ سَمَاحَةً / حَتَّى تَجُودَ وَ مَا لَدَيْكَ قَلِيلٌ» (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۱/۱۲۶)؛ عطا کردن از بسیار بخشندگی نیست، مگر اینکه ببخشی؛ درحالی که دارایی تو اندک باشد. این درحالی است که استثنا بودن «حتی» در روایت ابوخالد و مقدم بودن طهارت بر حب، مستلزم آن است که فعل مابعد «حتی» نسبت به فعل ماقبل آن، زمانش ماضی باشد نه استقبال. ازاین رو نمی توان «حتی» را به معنای استثنا گرفت.

۷-۳. تطبیق مفهومی روایت ابوخالد با آیات و روایات هم مضمون

به منظور کشف نوع رابطه سببیت در روایت ابوخالد و تحلیل معنای واژه «حتی» در آن، رجوع به آیات و روایات هم مضمون ضروری می نماید. در ادامه، مجموعه ای از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به عنوان قرائن تفسیری در تحلیل عبارت پایانی این روایت بررسی می شوند.

۷-۳-۱. رابطه حب و طهارت در آیات مودت و تطهیر

قرآن کریم در آیاتی نظیر «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران/۳۱)، شرط تحقق محبت الهی را تبعیت از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دانسته است. این تبعیت، لازمه محبت حقیقی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در پرتو آن محبت الهی نیز شامل حال انسان می گردد (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ۳۷). از آنجاکه محبت به انسان کامل بدون وجود طهارت در او ممکن نیست، در آیه تطهیر، اهل بیت علیهم السلام پاک و پاکیزه از هرگونه رجس و آلودگی معرفی شده اند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳). طهارت مورد اشاره در این آیه، طهارتی تکوینی و برخاسته از اراده الهی است (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۷). در همین راستا، قرآن اجر رسالت را مودت خویشان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دانسته، می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳). این محبت، ابزاری برای ارجاع امت به اهل بیت علیهم السلام به عنوان منابع هدایت است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۴۲).

با توجه به اینکه اهل بیت علیهم السلام معصوم اند و طهارت تکوینی دارند، محبت و تولی به ایشان علاوه بر ایجاد پیوند قلبی، سبب ایجاد مرتبه‌ای از طهارت در محبت می‌شود. این تحلیل از آیات با احتمال معنایی اول از روایت ابوخلد که «حتی» را به معنای غایت و طهارت را نتیجه حب و تولی می‌دانست، هماهنگ است.

۷-۳-۲. تبیین پیوند حب، تولی و تسلیم در روایات

در منابع روایی اهل سنت و شیعه، حب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به عنوان بنیان اسلام معرفی شده است: «أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي» (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۰۵/۱۲) و «أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۵۰/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶/۲). محبت به اهل بیت علیهم السلام در این روایات، نه تنها مقدمه ایمان، بلکه قوام آن است. همچنین روایاتی نظیر «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا» (شهید ثانی، ۱۴۰۷: ۱۷) و «أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ» (شعیری، بی تا: ۱۶۶؛ طبری آملی، ۱۳۸۳: ۱۹۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲۰/۴) تصریح دارند که محبت رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، شرط تحقق ایمان است. از این رو امام صادق علیه السلام با تأکید بر اینکه ایمان جز محبت نیست، فرمودند: «هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۱/۶۶). اگر در فردی محبت واقعی وجود داشته باشد اولین اثر آن، تلاش برای جلب رضایت محبوب است. از این رو کسی که محبت حقیقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام باشد در راستای جلب رضای ایشان گام برمی‌دارد و بدین ترتیب از گناهان اجتناب می‌کند و در مسیر طهارت قرار می‌گیرد. بنابراین حب و تولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تنها یک احساس قلبی نیست، بلکه یک ارتباط روحی است که طهارت قلبی را در پی دارد. این معنا در زیارت نامه ائمه علیهم السلام نیز اشاره شده است: «بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكُمْ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۶) و «جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّصْنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طِبَاءً لِحَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لَأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً لَنَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۲).

بنابراین حب و تولی نه تنها نشانه ایمان، بلکه عامل تطهیر قلب و مقدمه تسلیم در برابر حق است. این رابطه مؤید احتمال معنایی اول در روایت ابوخلد است.

۷-۳-۳. حبّ به اهل بیت علیهم السلام، ثمره توفیق در آزمون الهی

چنان که در روایت ابو خالد کابلی و دیگر روایات هم مضمون تبیین شد، حبّ اهل بیت علیهم السلام منشأ طهارت قلب و وصول به مقام تسلیم است. در این روایات، تسلیم و طهارت، به عنوان ثمرات تولّی و محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام معرفی شده اند.

اما از منظری مکمل و زاویه ای دیگر، این سؤال مطرح است که اگر احتمال معنایی دوم در روایت ابو خالد مطرود است و حبّ معلول طهارت و تسلیم نیست، بلکه علت آن هاست، در این صورت خود حبّ، معلول چه امری است؟ ناظر به این مسئله، در روایات، حبّ اهل بیت علیهم السلام ثمره موفقیت در آزمون الهی معرفی شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی مهم بر دشواری تحمل ولایت اهل بیت علیهم السلام تأکید کرده، می فرماید: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۶/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۱/۱). در این روایت، عبد ممتحن کسی است که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده و در نتیجه ظرفیت درک و پذیرش ولایت را یافته است. چنین فردی توان تحمل امر ولایت را داراست و در مرتبه ای از ایمان قرار گرفته که محبت به اهل بیت علیهم السلام برای او میسر شده است.

بنابراین، اگرچه محبت به اهل بیت علیهم السلام منشأ طهارت و سلم است، خود این محبت ناشی از زمینه های ایمانی و قلبی است که در طی آزمون های الهی حاصل می شود.

۷-۳-۴. حبّ اهل بیت علیهم السلام، عامل نجات اخروی

یکی از آثار مهم محبت به اهل بیت علیهم السلام که در روایات بر آن تأکید شده، نجات از عذاب و بهره مندی از امنیت در عرصه قیامت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ خَشِرَهُ اللَّهُ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۵۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۹/۲۷؛ صابری یزدی، ۱۳۷۵: ۴۵)؛ هر کس ما اهل بیت علیهم السلام را دوست بدارد، خداوند او را روز قیامت در حالی محشور می کند که در امنیت است. در روایت ابو خالد نیز امام باقر علیه السلام محبت به اهل بیت علیهم السلام را عامل نجات از فزع قیامت می داند. این محبت، آغاز سلوک انسان به سوی خیر و کمالات الهی است؛ زیرا محبت واقعی به

اهل بیت علیهم السلام از دل ایمانی آزموده و صادق برمی خیزد و همین محبت، زمینه ساز طهارت درون، سلم، امنیت در قیامت و تکامل ایمانی انسان می شود. بر این اساس، حبّ به امامان معصوم علیهم السلام همه دلبستگی هایی که انسان را از خداوند دور و به آتش نزدیک می کند، از جان و روان انسان می زداید.

همچنین با تأمل در بخش پایانی روایت ابو خالد و انطباق آن با مضامین مشابه در دیگر احادیث، به ویژه سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر اینکه: «حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ، وَ الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ» (قندوزی، ۱۳۰۲: ۲۲؛ امینی، ۱۳۶۶: ۲۷۹/۱۰؛ صابری یزدی، ۱۳۷۵: ۱۴۴) می توان دریافت که حبّ به اهل بیت علیهم السلام نه تنها عامل عبور ایمن از صراط، بلکه وسیله ای برای رهایی از عذاب و ورود به قلمرو امنیت در قیامت است. بنابراین محبت به اهل بیت علیهم السلام، تنها یک احساس قلبی نیست، بلکه راهبردی روحی - اعتقادی است که مسیر حرکت انسان به سوی خیر، امنیت اخروی و دوری از تباهی را فراهم می کند. این محبت، دل را از محبت های نادرست می پیراید و آن را آماده قرب الهی می نماید.

۸. تحلیل هندسه معرفتی ایمان در روایت ابو خالد

در نگاهی تحلیلی به روایت ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام، با منظومه ای معرفتی روبه روییم که سه عنصر بنیادین ایمان شیعی - یعنی محبت، طهارت قلب و تسلیم - را در ساختار یک نظام علّی و ترتیبی به تصویر می کشد. این سه گانه، تنها اجزایی جداگانه یا هم عرض نیستند، بلکه لایه هایی تودرتو از یک ساختار ایمانی منسجم اند که از «میل» آغاز می شود و به «انقیاد» می انجامد.

نخستین نقطه در این هندسه، محبت به اهل بیت علیهم السلام است. محبت در دستگاه کلامی تشیع، نه یک احساس خام و گذرا، بلکه تجلی گرایش به حقیقت مطلق و انعکاس نور معرفت در جان انسان است. درک طهارت ذاتی اهل بیت علیهم السلام و ولایت الهی آنان، شرط پیدایش این محبت حقیقی است. این محبت، نقطه عزیمت ایمان است، نه پایان آن. برخلاف دیدگاه هایی که ایمان را تنها تصدیق عقلی یا التزام قلبی می دانند، در روایت مورد بحث، محبت خمیرمایه ایمان و خاستگاه آن تلقی شده است.

طهارت قلب، دومین مرحله در این ساختار است. براساس نظم مفهومی روایت، طهارت نه پیش نیاز محبت، بلکه نتیجه آن است، بدین معنا که محبت به اهل بیت علیهم السلام که خود ناشی از شناخت و آمادگی فطری است، دل را از تعلقات ناپاک و انحرافات معرفتی پالایش می کند. درحقیقت، رابطه با معصوم علیه السلام - که طهارت تکوینی دارد - منشأ انتقال نور و پاکی به جان مؤمن است. از این منظر، طهارت قلب نشانه صداقت در محبت است؛ زیرا ادعای محبت، به تنهایی و بدون اثری در درون، کافی نخواهد بود.

در گام سوم، تسلیم در برابر اهل بیت علیهم السلام به عنوان قلّه ایمان و بلوغ ولایی معرفی می شود. تسلیم نه فقط تسلیم در افعال شرعی، بلکه پذیرش کامل حجیت، تبعیت بی چون و چرا، و نفی هرگونه معیار مستقل در برابر آنان است. این مفهوم، در روایاتی متعدد از اهل بیت علیهم السلام به عنوان شرط هدایت و حقیقت ایمان شناسانده شده است. در روایت مورد بررسی، تسلیم نه فقط شرط سلامت در قیامت، بلکه غایت تطهیر درونی معرفی شده است.

نکته مهم در تحلیل این منظومه، معنای واژه «حتی» است که در روایت محور استدلال قرار گرفته است. تحلیل نحوی و سیاقی نشان داد که معنای غالب و مناسب تر برای «حتی» در اینجا، معنای «غایت» است، نه «استثنا». به عبارت دیگر، ترتیب مفهومی روایت بر سیر تدریجی درونی ایمان دلالت دارد: محبت ← طهارت ← تسلیم ← هدایت الهی. بنابراین، این ساختار از درون آغاز می شود و به یک پذیرش نهایی و نوری ختم می گردد.

براین اساس روایت ابو خالد تنها گزارشی از یک فضیلت فردی یا توصیه ای اخلاقی نیست، بلکه صورت بندی یک منظومه فکری در باب ایمان در چهارچوب اندیشه شیعی را ارائه می دهد. در این منظومه، محبت به اهل بیت علیهم السلام به عنوان پایه اصلی شناخت دینی و نقطه آغازین ایمان مطرح می شود؛ طهارت قلب، نتیجه ارتباط ولایی با آنان است؛ و تسلیم در برابر آنان، شاخص تکامل ایمانی انسان محسوب می شود. به عبارت دیگر، این روایت الگویی منسجم و هدفمند برای فهم سیر درونی ایمان ارائه می دهد؛ الگویی که نشان می دهد ایمان در نگاه اهل بیت علیهم السلام تنها تصدیق ذهنی یا باور نظری نیست، بلکه فرایندی است مرکب از وابستگی قلبی (عُلَقه)، پالایش درونی (تطهیر)، و تبعیت عملی (اطاعت).

در نهایت، این منظومه سه لایه، با نور ولایت الهی پیوند خورده، انسان را به قلمرو توحید ناب رهنمون می‌شود؛ زیرا چنان‌که از دیگر روایات نیز استفاده می‌شود، ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، همان استمرار ولایت الله است، و کسی که به حبّ آنان راه یابد، در امتداد نور الهی قرار می‌گیرد؛ مسیری که به تطهیر، تسلیم و درنهایت، نجات اخروی خواهد انجامید.

نتیجه

تحلیل ساختار روایی و مفهومی روایت ابوخلد کابلی از امام باقر علیه‌السلام، امکان بازسازی یک مدل مفهومی و درونی از فرایند ایمان شیعی را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر کارکرد نحوی واژه «حتّی» و سیاق متن روایت، به یافته‌های زیر دست یافته است:

۱. روایت ابوخلد نخست در کتاب تفسیر قمی با سندی معتبر نقل شده و سپس در کتاب کافی با سندی ضعیف آمده است. با این حال، ضعف ظاهری سند در کافی با قرائن متعدد جبران پذیر است، از جمله: اعتبار کلی کتاب کافی در میان محدّثان شیعه، وجود طریق مستقل و صحیح در منابع دیگر، و اهتمام خاص شیخ کلینی به نقل روایات مستند و قابل اعتماد.

۲. ترتیب مفهومی و تربیتی روایت ابوخلد، یک فرایند سه مرحله‌ای را ترسیم می‌کند که از محبت به اهل بیت علیهم‌السلام آغاز شده، به طهارت قلب می‌انجامد و درنهایت به تسلیم در برابر ولایت ختم می‌شود. این ترتیب نه تنها ساختار روایی روایت، بلکه محتوای تربیتی آن را نیز شکل می‌دهد.

۳. تحلیل نحوی - بلاغی واژه «حتّی» نشان داد که در سیاق این روایت، معنای «غایت» بر دیگر احتمالات، به ویژه معنای استثنا ترجیح دارد. این گزینش نحوی با چینش نحوی افعال، قرائن سیاقی، و شواهد روایی همخوانی دارد.

۴. محبت به اهل بیت علیهم‌السلام در این روایت، تنها احساس قلبی نیست، بلکه نقطه آغاز یک پیوند معرفتی و روحی است که بستر تطهیر درونی و ارتقای شخصیت ایمانی را فراهم می‌کند. چنین محبتی تنها زمانی اصیل و تأثیرگذار است که به تحول درون و انگیزش برای پیروی عملی بینجامد.

۵. طهارت قلب در نظام مفهومی روایت، محصول پیوند با اولیای الهی و تأثیرپذیری از نور ولایت آنان است. این طهارت نه فقط پالایش اخلاقی، بلکه آمادگی برای پذیرش حجیت و تبعیت کامل از آنان است.
۶. مقام تسلیم، به عنوان اوج سلوک ایمانی، تنها در دل‌هایی تحقق می‌یابد که از تعلقات دنیوی و موانع معرفتی پالایش یافته باشند. تسلیم در این معنا، نشانه بلوغ در ایمان و عمق یافتن ولایت‌مداری است.
۷. مطابقت مفهومی این روایت با آیات قرآنی (مانند آیات مودت و تطهیر) و روایات هم‌مضمون، مؤید آن است که محبت اهل بیت علیهم‌السلام در منظومه معرفتی تشیع، خاستگاه هدایت، نجات اخروی، و پیمودن مسیر توحید است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آجرلو، حسین، «بررسی اعتبار تفسیر علی بن ابراهیم قمی از دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»، *پژوه‌نامه فقه و علوم اسلامی*، شماره ۱، ۱۴۰۱ ش، ص ۱۰۹-۱۲۲.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن حنبل، احمد، *المسند*، بی‌نا، قاهره، ۱۳۱۳ ق.
۵. ابن داود، حسن بن علی، *رجال ابن داود*، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل‌أبی‌طالب*، نشر علامه، قم، ۱۳۸۲ ق.
۷. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن هشام، أبی محمد عبد الله جمال الدین بن یوسف، *مغنی اللیب*، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. اجلی، سمیه و سحرکاوندی، «تأثیر قلب بر معرفت از منظر صدرا»، *مجله علمی عرفان*، شماره ۴۹، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۸۳-۱۹۵.
۱۱. استرآبادی، علی، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، تحقیق حسین استادولی، دفتر

- انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۲. امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ش.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام*، تحقیق علی عاشور، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۵. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۵ق.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق.
۱۸. بهبهانی، علی، *مصباح الهدایة فی اثبات الولاية*، دار العلم، اهواز، ۱۴۱۸ق.
۱۹. بیهقی، احمد بن علی، *تاج المصادر*، تحقیق هادی عالم زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵-۱۳۶۶ش.
۲۰. جوادی فر، زهرا سادات، *شاخصه ها و آثار تسلیم در برابر خدا از منظر قرآن و روایات*، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۱ش.
۲۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالانصوص و المعجزات*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۲۲. حسن زاده آملی، حسن، *نور علی نور در ذکر و ذکر و مذکور*، انتشارات تشیع، بی جا، ۱۳۷۱ش.
۲۳. حسینی سیاهکلرودی، سید قوام الدین، «ولایت باطنی امامان معصوم»، *مربیان*، شماره ۳۳، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵-۳۲.
۲۴. حسینی جلالی، سید محمد حسین، *درایة الحدیث*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۲۵. حلّی، حسن، *ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، گروه حدیث، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۱ش.
۲۶. حیدر زیدی، وصی، *تفسیر تطبیقی تولد و تبزی و آثار آن از قرآن و حدیث*، دانشکده الهیات جامعه المصطفی، ۱۳۸۶ش.
۲۷. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ق.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم - الدار الشامیه، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۲۹. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحیح علی شیری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۳۰. زمخشری، محمد بن عمر، *الكشاف*، تصحیح مصطفی حسین احمد، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۳۱. روزنی، حسین بن احمد، *المصادر*، بی نا، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۲. سید عربی، سید عبدالله، *مبانی کلامی و عقلی حب و بغض یا تولی و تبری*، نشر قائم آل علی علیه السلام، ۱۴۰۳ش.
۳۳. شبیری زنجانی، سید محمدجواد، «در حاشیه دو مقاله»، *مجله آینه پژوهش*، شماره ۴۸، ۱۳۷۶ش، ص ۴۸-۵۲.
۳۴. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، مطبعة حیدریه، نجف اشرف، بی تا.
۳۵. شهیدثانی، زین الدین، *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد*، تحقیق سیدعلی جمال اشرف، آل البيت، ۱۴۰۷ق.
۳۶. شهیدثانی، زین الدین، *المصنفات الاربعة، رسالة ۴: حقيقة الايمان*، بی نا، قم، ۱۳۸۰ش.
۳۷. صابری یزدی، علیرضا، *الحکم الزاهرة*، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.
۳۸. صدر، سیدحسن، *نهاية الدراية في شرح الرسالة الموسومة بالجيزة للبهائي*، تحقیق ماجد الغرباوی، انتشارات مشعر، قم، بی تا.
۳۹. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تصحیح محسن کوجه باغی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۴۰. صفایی، غلامعلی، *ترجمه و شرح مغنی الادیب*، انتشارات قدس، قم، ۱۳۸۷ش.
۴۱. صیادانی، علی، مهدی شفائی و محمدصالح شریف عسکری، «بررسی تحوّل معناشناختی واژه حُب در قرآن کریم نسبت به ادبیات عصر جاهلی»، *فصلنامه ذهن*، شماره ۶۶، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۹-۱۴۳.
۴۲. طاهرزاده، اصغر، *مبانی نظری و عملی حب اهل بیت علیهم السلام*، نشر لب المیزان، اصفهان، ۱۳۸۸ش.
۴۳. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.
۴۴. طباطبایی، فاطمه و مهدی مؤمنی، «طهارت از منظر عارفان مسلمان»، *اندیشه دینی*، شماره ۵۱، ۱۳۹۳ش، ص ۳۳-۵۴.
۴۵. طبرسی، علی بن حسن، *مشكاة الانوار*، مکتبه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ق.
۴۶. طبری آملی، عمادالدین محمد بن ابی القاسم، *بشارة المصطفى لشيعته المرتضى*، مکتبه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۳ق.
۴۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرين*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تصحیح حسن الموسوی خراسان، دار الکتب

- الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۳ش.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، *فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، مکتبه المحقق الطباطبایی، قم، ۱۴۲۰ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۵۲. غزالی، ابوحامد محمد، *إحياء علوم الدین*، تحقیق عبدالرحیم حافظ عراقی، دار الکتب العربی، بیروت، بی تا.
۵۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۵۴. فیض کاشانی، ملا محمد محسن، *الوافی*، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۵۵. قرشی بنابی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ق.
۵۶. قمی، عباس، *سفینه البحار*، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، دار الکتب، قم، ۱۴۰۴ق.
۵۸. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تصحیح حسین درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۵۹. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لدوی القریبی*، بی نا، قم، ۱۳۰۲ق.
۶۰. کاشف الغطاء، جعفر، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۴۲۲ق.
۶۱. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق مهدی رجایی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۳۶۳ش.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۶۳. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، *کنز العمال*، تصحیح بکری حیانی و صفوة السقا، مؤسسة الرساله، بی جا، ۱۴۰۱ق.
۶۴. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
۶۶. مرتضی، بسام، *زبدة المقال من معجم الرجال*، دار المحجة البيضاء، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۶۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران،

- ۱۳۶۸ ش.
۶۸. مظفر، محمدرضا، *عقائد الإمامیه*، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۸۷ ش.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۷۰. موحد، مرگان، *بررسی موضوعیت و طریقت ولایت ائمه معصومین*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۶ ش.
۷۱. موسوی خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنّات فی أحوال العلماء والسادات*، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ ش.
۷۲. موسوی، سید احمد، «پژوهشی پیرامون تفسیر قمی»، *کیهان اندیشه*، شماره ۳۲، ۱۳۶۹ ش، ص ۸۴-۹۰.
۷۳. میرباقری، سید محمد مهدی، *ولایت الهیه*، تمدن نوین اسلامی، قم، ۱۳۹۷ ش.
۷۴. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۵ ش.
۷۵. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، *أوصاف الأشراف*، تحقیق نجیب مایل هروی، بی نا، مشهد، ۱۳۵۷ ش.
۷۶. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، *اخلاق محتشمی*، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۷۷. نیکویی، علی، *تأثیر ولایت بر زندگی انسان ها: آثار اجتماعی، تربیتی و سیاسی تولّی و تبرّی*، انتشارات ارسطو، ۱۳۹۴ ش.
۷۸. هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، تصحیح ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ ق.